

نگاهی به تنوع طرفین تشبیه و نقش آن در خلق آرایه های دیگر و هم سوئی با عاطفه در اشعار سنتی اخوان ثالث

ایرج کیانی، دکترای ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار
kianiiraj@yahoo.com

چکیده

یکی از مباحث اصلی زیباشناسی، تصاویر خیال انگیز شعری است. تشبیه از جمله تصاویر خیال است که جز نقش زیبایی آفرینی و هنری خود، بار عاطفی اشعار را نیز افزایش می دهد. کشف این ویژگی ها برای مخاطب اهمیت خاصی دارد. اخوان ثالث از جمله شاعران نوپردازی است که از این عنصر تصویرساز در قالب ادبی قطعه - که قالبی سنتی است - بهره زیادی برده است. با توجه به موزیکال بودن شعر او، پژوهش حاضر می کوشد تا مهارت شاعر را در شعر سنتی در زمینه تشبیه دریابد و بداند چه تنوعاتی در ساختار طرفین تشبیه نهفته است؟ آیا مشبه و مشبه به از نظر ساختار، تکراری هستند؟ آیا تصاویر شعری، دغدغه ها و عواطف روحی شاعر را بیان می کند؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که اخوان ثالث با مطالعه در اشعار گذشتگان، از ظرافت های شعر کلاسیک آگاه است؛ و نوگرایی وی از سر عجز در برابر قواعد شعر کهن نیست. وی با استفاده از «عناصر طبیعت، موجودات وهمی و اساطیری، عنصر رنگ، تصاویر حروفی، تلمیحات قرآنی» و... به نوعی در ساختار طرفین تشبیه، به خصوص «مشبه به» تنوع ایجاد کرده تا شعر را از یکنواختی بیرون آورد. نکته مهم دیگر این است که از میان تصاویر خیال، تشبیه، بخش زیادی از بار معنایی و اندیشگی اشعارش را بر دوش دارد تا زمینه های عاطفی ابیات تقویت شود؛ یعنی، شاعر با چنین ابزارهایی می خواهد مکنونات و احساسات درونی خود را بیان کند تا مخاطب را تهییج نماید. تصاویر خیالی که بیشتر مواقع با عاطفه و حالات روحی شاعر همسوئی دارد.

کلید واژه ها: اخوان ثالث؛ شعر سنتی؛ قطعه؛ عاطفه؛ طرفین تشبیه

مقدمه

مطالعه در روش هایی که باعث ایجاد موسیقی در کلام میشود، برای مشتاقان شعر و ادب فارسی، لذت بخش است. «اجزای کلام به وسیله رشته ای از تناسبات و روابط لفظی یا معنایی به یکدیگر گره می خورند و شبکه منسجم از ارتباط آوایی یا معنایی پدید می آید که به آن کلام ادبی می گویند» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲). در کلام ادبی، ادیب سخن پرداز، با ایجاد موسیقی و تصاویر خیال به تحریک عواطف می پردازد و کلام را از سطح سخن عادی بالاتر می برد تا به آن، آب و رنگ ادبی بدهد، به عبارت بهتر با فراهم کردن چنین فضایی می خواهد «مقصود خود را به بهترین وجه بفهماند تا در روح شنونده مؤثر باشد، چندان که موجب انقباض یا انبساط او گردد و خاطر او را برانگیزد، تا حالتی را که منظور اوست از غم و شادی و مهر و کین و رحم و عطف و انتقام و کینه جوئی و خشم و عتاب و عفو و اغماض و امثال آن معانی، در وی ایجاد کند» (همایی، ۱۳۸۸: ۴).

یکی از فنونی که شاعران بزرگ با استفاده از آن، کلام عادی را تبدیل به کلام ادبی می کنند فن بیان است. «بیان در لغت به معنی کشف و توضیح است و در اصطلاح ادب عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آنها آوردن یک معنی به راه های مختلف شناخته شود. راه های مختلفی که شاعر یا نویسنده برای بیان مقصود خود انتخاب می کند. برخی روشن و واضح و بعضی مخفی و پوشیده است» (صفا، ۱۳۷۷: ۳۷). مباحث

علم بیان را «تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز» تشکیل می‌دهند که هر کدام از اینها، از عناصر سازنده تصاویر شعری هستند و ارزش شعر را دوچندان می‌سازند. چرا که «در علم بیان با روش‌های مختلف ادای معنی واحد و با ابزارهای مختلف نقاشی در زبان آشنا می‌شویم و می‌آموزیم که چگونه باید مراد شاعران را از واژه‌ها و عباراتی که در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند دریافت» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵).

از میان شاعران بزرگ نوپرداز عصر ما اخوان ثالث از جمله شاعرانی است که در نظر دارد با انتخاب واژه‌هایی که بیشترین تصورات ممکن را برمی‌انگیزند در قلب علاقمندان راه پیدا کند. شعر اخوان باغی است رنگین از هنرهای شاعرانه. در این باغ رنگین و پرگل، موسیقی واژه‌ها و ترکیب کلام او شور و شمعف زیادی در خواننده ایجاد می‌کند. چرا که آشنایی شاعر با ادبیات گذشته کشور و آشنایی با ذهن و زبان موزیکال این مهم را رقم می‌زند. در حوزه علم بیان، امواج وسیع تخیل، او را مجبور به استفاده از مقولات بیانی ساخته است، به طوری که کمتر صحنه‌ای از اشعار وی، فاقد، تشبیه، تشخیص و حتی تناسب است. تصویرگرایی و قابلیت تجسم و انواع حس و حال دادن‌ها به کلام، از عوامل زیبایی بخش اشعار اخوان است که در اشعار کهنه و نو خود را نشان می‌دهد. در این جستار قطعات اخوان (قالب سنتی قطعه) را از منظر یکی از شاخه‌های علم بیان؛ یعنی، تشبیه بررسی می‌کنیم. از آنجایی که تشبیهاتش در اوج ذوق و نیروی آفریننده شاعر، با تخیلی دقیق همراه است، در پژوهش حاضر برآنیم تا با پرداختن به تشبیهات فشرده موجود در اشعار سنتی او، تنوع ساختاری طرفین تشبیه و نقش آن در خلق آرایه‌های دیگر و همچنین هماهنگی آنها با عاطفه را دریابیم و بدانیم چگونه جنبه‌های عاطفی مورد نظر شاعر از اعماق وجود او به سطح می‌آیند و با تصویر همسو میشوند تا حیثیت ادبی شعرش را رونق دهند.

از آن جایی که اخوان ثالث از بزرگان شعر معاصر است، آثار و مقالات زیادی درباره اشعار او نوشته شده است. اما به نظر میرسد تا کنون درباره ظرافت‌های کاربرد تشبیه در اشعار سنتی وی، به خصوص قالب ادبی قطعه تحقیق مناسبی صورت نگرفته باشد. علی احمدپور در شهریار شهر سنگستان، رضا افضلی در بررسی صور خیال شعر معاصر، و ضیاءالدین ترابی در مقاله غنای موسیقایی شعر اخوان، بیشتر اشعار نیمایی وی را از منظر موسیقی و زیبایی شناسی بررسی کرده‌اند و از توانایی اخوان در «قالب سنتی قطعه» شواهدی نیاورده‌اند. البته حجت الله بهمنی مطلق در «درخت زنده بی برگ» از تشبیهات موجود در قطعات اخوان سخن گفته و نیز شهناز محمدی در «گونه‌های تشبیه در اشعار سنتی اخوان»، از تمامی قالب سنتی و تشبیهات آنها بحث کرده است. نویسندگان مذکور بیشتر از بسامد تشبیه بر حسب ادات و وجه شبه، طرفین تشبیه، تشبیهات حسی و عقلی، و تشبیهات مفرد و مرکب و مقید بحث کرده‌اند. تفاوت و اهمیت کار ما با نویسندگان مذکور در این است که در این پژوهش فقط تنوع در ساختار طرفین تشبیه را بررسی می‌کنیم و از هماهنگی زمینه‌های عاطفی و معنایی با تصویر و نقش آنها در خلق دیگر آرایه‌ها نیز سخن خواهیم گفت.

روش کار ما در این پژوهش از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای همراه با تحلیل محتواست. در این فرآیند متن اصلی و منابع نظری دست اول را مطالعه و یادداشت‌هایی مطابق اهداف تحقیق به گونه‌ای روشمند طبقه‌بندی کردیم، سپس بر اساس موضوع به تحلیل موارد مشخص شده پرداختیم.

۱- تشبیه

یکی از امکانات هنری که از تخیل نویسنده مایه می‌گیرد و حاصل نوعی تجربه ذهنی است، تشبیه است. «تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیز دیگر مانند کردن و در اصطلاح یعنی مقایسه و کشف و یادآوری

شبهات یا شباهتهایی بین دو چیز یا دو امر متفاوت، این کشف حاصل دقت و ذوق و قریحه شاعر یا نویسنده است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۸۳) این گونه ادبی از جمله صور خیال است که جز نقش زیبایی آفرینی و هنری خود، بار عاطفی جملات را نیز افزایش می دهد. در قطعات اخوان تشبیه مرکز اغلب صورت های خیال است. به طور کُل شعرهای اخوان موسیقی گوشنوازی دارد. صور خیال شعرش، به خصوص تشبیه آنقدر قوی است که عواطف خواننده را تحریک کند. در این قسمت هنرنمایی اخوان ثالث را در تشبیهات فشرده بیان می کنیم، به خصوص از منظر «تنوع در ساختار طرفین تشبیه» بررسی می کنیم تا میزان تسلط وی را در استفاده از امکانات موسیقایی این عنصر هنری دریابیم.

۱-۱- تشبیهات فشرده (بلیغ اضافی):

این تشبیه «از اضافه شدن مشبّه به، به مشبّه، به صورت یک ترکیب اضافی به وجود می آید (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲۷). این گونه از تشبیهات در قطعات اخوان ثالث بسامد بالایی دارند. در نمونه های زیر تنوع در ساختار اینگونه از تشبیهات را بررسی می کنیم.

۱-۱-۱- عناصر طبیعت

اصولاً هنر اخوان در تصویرسازی بر این است که از یک چیز چندین تصویر ارائه دهد تا احساسات مخاطب از درون به سطح آیند و حالتی فریاد گونه پیدا کنند. برای مثال در بیت زیر از طریق تتابع اضافات، کلمه گردون را طوری به کار برده که هم محور خلق تشبیه است و هم محور خلق تشخیص و هم تهییج کننده احساس: ساز دگر ز مطرب گردون دون مخواه مانند نی، امید! ترا سوز ناله بس (اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۲۵۴)

در اینجا، هماهنگی تصویر با فضای عاطفی حاکم بر شعر - که از رهگذر کلمات فراهم شده - کاملاً محسوس است. عاطفه حاکم بر شعر، عواطف منفی چون غم و ناله و ناامیدی است که با کلمات «گردون دون، مخواه، نی، سوز ناله» هماهنگی دارد. به عبارت بهتر گزاره انشایی «مخواه» که در معنی بیان عاقبت کار است و گزاره خبری «ترا سوز ناله بس» که حصر صفت بر موصوف است به راحتی در انتقال عاطفه منفی حاکم بر بیت مؤثرند. از طرف دیگر، اخوان با تتابع اضافات، هم ترکیب اضافی و هم ترکیب وصفی ایجاد کرده. اهمیت این ترکیب ها در تصویرسازی آنهاست. در ترکیب اضافی، گردون به مطرب تشبیه شده و در ترکیب وصفی، گردون به انسانی تشبیه شده که پستی و رذالت از ویژگی های اوست. علاوه بر این، جناس حاکم بر ترکیب وصفی «گردون دون» که نوعی جناس مکرر یا مزدوج است، در تقویت موسیقی داخلی بیت در کنار دیگر جناس (سوز و ساز) مؤثر می افتد.

در تشبیهات فشرده اخوان، تشبیهات عقلی به حسی نسبت به دیگر تشبیهات کاربرد بیشتری دارند؛ یعنی، اگر یک سوی خیال او مفهوم انتزاعی باشد، طرف دیگر امری محسوس و ملموس خواهد بود. ممکن است این امر محسوس یکی از عناصر طبیعت یا اشیای مربوط به زندگی انسان باشد. بنابراین «وقتی مشبّه به، عنصری طبیعی باشد سبب می شود که فضای شعر از وسعت و زیبایی طبیعت نیز برخوردار گردد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۳۲).

مگر ابربخشایش و لطف حق به رأفت ببارد بر افعال او (اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۲۸۷)
گل شادابی و از باغچه شعر و هنر سرو بالنده و از هر چه تعلق آزاد (اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۱۴۲)

زمینه معنایی ابیات را عواطف مثبت احاطه کرده اند. نکته مهم دیگر در تشبیهات بالا این است که در بیت آغازین شباهت میان دو سوی تصویر برخاسته از فعل آنهاست که باعث پویایی بیشتر آن شده، اما در بیت دوم وجه شبه از صفات مخصوص «مشبه به» منتزع میشود که در این صورت، هر وقت هنرنمایی کرده، اغلب تصویر تکراری از کار درمی آید.

در بعضی از تشبیهات فشرده اخوان، تازگی و باریک بینی و دقت نظر او کاملاً مشهود است، به طوری که شباهت میان دو سوی تشبیه هنگام ارتباط با سایر اجزای شعر بهتر آشکار می شود. چنانچه در بیت زیر نیز رابطه بین مشبه که امری ذهنی است و مشبه به که عنصر طبیعت است، ابتدا قابل پذیرش نیست اما با آمدن صفت «تند» و فعل «سوخت» این رابطه پذیرفتنی است و برای مخاطب دلپسند و زیبا می شود:

مگر باد گیلان نیامد به ری که روح مرا ارمغان آورد؟
مرا سوخت تند آفتاب فراق بگوئید تا سایبان آورد (همان، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

۱-۱-۲- تلمیحات قرآنی

یکی دیگر از شگردها و ظرافتهای خاص اخوان در تصویرسازی که بسامد اندکی در قطعاتش دارد، استفاده از تلمیحات قرآنی در طرفین تشبیه است، چنانکه در بیت زیر با هنر خود این مهم را رقم زده است:

ظلام ظلمنا به باران نور بشوید ز طومار اعمال او (همان، ۱۳۸۹: ۲۸۷)

البته زمانی این تشبیهات پرفروغترند که در کنار سایر اجزای کلام، زمینه خلق آرایه های دیگر ادبی را فراهم آورند تا بار تصویری و عاطفی شعر بالا رود. اخوان در ترکیب آغازین این بیت که تشبیه فشرده است با استفاده از تلمیح قرآنی، زمینه تصویری شعر را دو چندان می سازد. واژه «ظلمنا» به عنوان مشبه و یکی از پایه های تشبیه، نه تنها محور خلق تشبیه گشته، بلکه به همراه مشبه به خود (ظلام) در خلق آرایه جناس و تقویت موسیقی داخلی بیت اثرگذار است. این واژه اشاره دارد به آیه «قالوا ربنا ظلمنا انفسنا و لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين» (قرآن، اعراف، ۲۳). نکته ظریف دیگر در این بیت استفاده از سه ترکیب اضافی است که همگی تصویرسازند؛ یعنی بعنوان تشبیه فشرده بر پویایی و اصالت موسیقایی بیت افزوده اند. در تشبیه فشرده «باران نور» نباید هنر شاعر را از نظر دور داشت. هر دو رکن تشبیه، محور خلق آرایه های دیگر شده اند. تناسب معنایی «باران و بشوید» و تضاد «نور و ظلام» بر زیبایی این تصویر افزوده است. طومار اعمال نیز سومین ترکیب فشرده ای است که در کنار سایر ترکیبها بر تنوع تصاویر افزوده است تا مخاطب کاملاً در فضای تجربه عاطفی شاعر قرار گیرد.

۱-۱-۳- تصاویر حروفی

استفاده از تصاویر حروفی شگرد دیگری است که در قطعات اخوان به ندرت دیده می شود، اما هر وقت از این ابزار در تشبیهاتش بهره برده، تشبیه با استعاره آمیخته شده و پرده ای رنگین از تصاویر در جلوی چشمان مخاطب باز میشود. البته این شیوه به نوعی تکراری است، اما متأثر از تنگنای قافیه نیست:

جوانی به تشنیع طی کرده، ریخت به خاک عبث، کاخ آمال او
خدنگ الف گوژ گشت و گرفت به کف لام وارون خم دال او (اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۲۸۶)

در بیت بالا اخوان با استفاده از حرف گرای (الف، لام، دال) موسیقی بیت را تقویت می سازد. وی با ظرافت خاص شاعرانه خود از ترکیب فشرده «خدنگ الف»، هم تشبیه فشرده (تشبیه بلیغ) می سازد و هم استعاره

فشرده (استعاره مصرّحه) و بدین ترتیب لایه های تصویر خود را تو در تو می سازد. البته موقعی این ترکیب، بیشتر جلوه گر می شود که در کنار سایر حروف الفبا- که همگی بار تصویری دارند- خوش می نشیند. ترکیب لام و ارون که استعاه از «عصا» است و ترکیب «خم دال» که استعاره از قامت خمیده است، در کنار ترکیب «خدنگ الف» زمینه های تصویری و عاطفی بیت را فروغ خاصی می دهد. البته واج آرایسی «گ» در مصراع اول و تناسب بین حروف «الف و لام و دال» به ترتیب موسیقی داخلی و معنایی بیت را طراوت خاصی داده است.

۱-۱-۴- شبه جمله در جایگاه مشبّه

استفاده از شبه جمله در جایگاه «مشبّه» از دیگر هنرهای اخوان در تشبیه سازی است. در قطعات وی تنها مورد یافت شده شاهد زیر است که به زیبایی از آن بهره برده است:

وفا دایه شد مهربان تر ز مادر چنان کش به افسون لالا غنودی

دریغا ز بس بی وفایی که دیدی بسه بیغوله های دریغا غنودی

(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۱۹۲)

زمینه معنایی این بیت را عاطفه حسرت تشکیل می دهد و این را از گزاره انشایی «دریغا» در شروع بیت می توان دریافت. اخوان ثالث برای اینکه زمینه تصویری بیت را تقویت سازد، از این شبه جمله به عنوان یکی از طرفین تشبیه استفاده می کند تا به نوعی تشبیه تازه ای خلق شود. تازگی این تشبیه فشرده (بیغوله های دریغا)، به خاطر مشبّه قرار دادن شبه جمله است. نکته مهم دیگر، محوریت آن در خلق آرایه های دیگر است. زیرا در کنار تشبیه، واج آرای و تصدیق نیز ایجاد شده است.

۱-۱-۵- حس آمیزی در تشبیه

از دیگر شگردهای کاربرد تشبیه در قطعات اخوان، حس آمیزی در تشبیه است؛ یعنی، یکی از طرفین تشبیه پایه گذار حس آمیزی است. استفاده از این گونه هنری نشانه دقت نظر، تجربه دقیق و قدرت بیان شاعر است. در چنین مواردی نیز به یک تصویر اکتفا نمی کند و عناصر تصویرساز دیگری را جهت تقویت نیروی تصویری و عاطفی شعر به کار می گیرد. این شیوه نیز در قطعات وی بسامد ندارد:

نیست گویم نیست می آید صدا کوه را ماند جواب زندگی

نیست جز کابوس وحشتهای تلخ کاش برخیزم ز خواب زندگی

(همان، ۱۳۹۱: ۱۹۵)

اخوان در این بیت با مؤخر آوردن مسندالیه (کابوس وحشتهای تلخ) که ترکیب تصویرساز از نوع حس آمیزی در تشبیه است، غم و ناامیدی و ترس خود را از زندگی بیان می کند. تقدیم فعل نفی و حرف استثنا این موضوع را نشان می دهد. چرا که «ساختمان جملاتی که مقصور و محصورند با نفی مقدم بر استثنا حاصل می شود» (تجلیل، ۱۳۹۰: ۱۸) تا تأکید و اهمیت موضوع برای مخاطب بیش از پیش روشن شود. البته وجود گزاره انشایی «کاش» در آغاز مصراع دوم، سایه ای از عاطفه امید را نشان می دهد. شاعر در این مصراع از ترکیب فشرده دیگری (خواب زندگی) استفاده می کند تا پیوند و ارتباط میان تصاویر قوی تر شود. این پیوند و تناسب از طریق کلمات «کابوس، وحشت و خواب» فراهم می شود که در شکل گیری تصاویر نقش دارند.

۱-۱-۶- حیوانات، پرندگان و موجودات وهمی

حیوانات، پرندگان و موجودات وهمی در تصویرهای شعری به ویژه در تشبیهات اخوان حضور دارند و اغلب مشبه به، واقع می‌شوند. در قطعات او حیوانات و پرندگانی چون «اسب، مرغ، قوچ، شاهین، طوطی، شیر، جغد، آهو، سگ، افعی» و موجودات وهمی مانند «دیو، غول و اژدها» یکی از دو سوی تشبیه (به خصوص مشبه به) را تشکیل می‌دهند. در تشبیهات فشرده وقتی حیوان را مشبه به، استفاده می‌کند، مشبه را در بیشتر مواقع از امور عقلی و انتزاعی می‌آورد:

از کوه مرغ روح و تنی چونان این کاهپر رواست که میماند؟
گویند روح مانند، یا شاید ارواح پارساست که میماند
(اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۲۳۳)

دنی قصابکی ضرب المثل در ناجوانمردی که تنها میتواند قوچ حمقش را بپروارد
(همان، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

در ابیات زیر موجودات وهمی و اساطیری را مشبه به قرار داده است. این موجودات اگرچه در حوزه حواس ما قرار نمی‌گیرند اما جاندار تصور می‌شوند:

طوفان صف صد دیو کین صد غول موجش زیر زین کابوس وار از صد کمین تازان به شهر خوابها
(همان: ۲۰۱)

غضب فرمانبری از دیو خشم است شدن از مقتضای عقل بیرون
(همان، ۱۳۸۹: ۲۷۸)

در ابیات بالا نیز مانند بسیاری از ابیات، هماهنگی لفظ با معنا را مشاهده می‌کنیم. به طوری که واژه‌های تصویرساز حجم زیادی از بار عاطفی شعر را بدوش می‌کشند. در بیت زیر برعکس ابیات بالا، واژه «شیطان» که زمینه ساز تشبیه فشرده است در جایگاه مشبه آمده است:

پایتخت شاه شیطان است بازار، ای امید هر که رفت آنجا شیاطین لخت و مدهوش کنند
(همان: ۲۴۰)

هنر اصلی اخوان را در این بیت، باید در مصراع اول دید. جایی که با استفاده از دو تشبیه بلیغ اضافی و اسنادی، زمینه‌های تصویری و عاطفی بیت را رونق می‌بخشد. تشبیه بازار به پایتخت شیطان، تشبیه جدیدی است که اخوان برای تجسم بخشیدن تجربه و اندیشه خود از آن استفاده کرده، تا عاطفه و پیام خود را بهتر به خواننده انتقال دهد. «زیرا تأثیر عاطفی مطلبی که با تشبیه و استعاره بیان شود بیشتر است. از راه تشبیه مکنونات درونی بهتر بیان می‌شود» (علوی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۴۶). نکته مهم در این تشبیه نوع بیان جملات است. تقدیم مسند بر مسندالیه، جمله انشایی که به صورت خطاب آمده، و حتی جمله اسنادی پایانی، همگی، بر معنای تحذیر و تبییه شنونده - از طریق نکوهش - دلالت دارند که زمینه معنایی بیت را در کنار زمینه عاطفی تقویت می‌سازند. حتی بیان استعاری «شیاطین» و کنایه محاوره ای «لخت کردن» زمینه‌های تصویری شعر را دوچندان می‌سازد.

۱-۱-۷- عنصر رنگ

در قطعات اخوان از میان تشبیهات فشرده، تصویرهایی که فقط رنگ، عامل ارتباط میان دو سوی تصویر باشد، بسیار نادر است و فقط یک مورد دیده می‌شود که آن مورد هم تکراری است و تضمین از دیگران:

چو گل بخند و بخندان و شاد و بی غم باش
مس وجود تو را خنده کیمیا باشد
(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

گاهی اوقات برای اینکه جنبه های شباهت میان دو سوی تصویر دقیقتر نشان داده شود، رنگ را به عنوان صفت برای مشبه به می آورد. این شیوه هم در تشبیهات فشرده و هم گسترده دیده می شود، چنانکه در ابیات زیر آمده است:

چو دُرّ سبز چشمش را سُرَایند نگفته، لای، لالا کرده ام من
همه هستی چو چشمش سبز بینم زمرد توده یکجا کرده ام من
(همان، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

شاعر در ارتباطی که میان یکی از ملایمان انسان و طبیعت برقرار می کند عنصر رنگ را به خوبی در نظر می گیرد. البته استفاده از الگوی محاوره ای زیان در کنار لغات و ساختارهای زبان رسمی و ادبی بر زیبایی شعر افزوده است.

«بر روی هم در صور خیال، رنگ یکی از مؤثرترین عوامل آفرینش است، هم از نظر مجازهای زبان شعر و هم از نظر اهمیتی که در خلق تشبیهات و استعاره های متحرک و حسّی دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۲۰۹). در بیت زیر مشاهده می کنیم که عنصر رنگ، کلمه ضعیف و ناتوانی نیست که فقط برای پر کردن وزن بیاید، بلکه در زبان شاعر معنی اصلی و روشن خودش را دارد و به خوبی با عاطفه موجود در شعر ارتباط برقرار کرده است و باعث خلق آرایه های دیگری در بیت شده است:

ای سیه دل زال گیتی پشت ما درهم شکست زیر بار رنج آخر ما که رستم نیستیم
(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۱۷۳)

ناگفته نماند که در تشبیهات گسترده، عنصر رنگ بیشتر حکم صفت برای مشبه را دارد نه مشبه به:

دار و درخت و خاک سیه مثل قیر را سرسبز و شاد و پرگل تصویر می کنی
گر شاخه ای شکسته شود زین چنار پیر رویانی اش دوباره و تعمیر میکنی
(همان، ۱۳۸۹: ۲۹۶)

چمنزاران سبز آهوان را چو چشمش زیر پا تا کرده ام من
(همان: ۲۷۵)

۱-۱-۸- رابطه تقابلی بین دو مشبه

اخوان از این شیوه حداقل برای ساخت تشبیهاتش استفاده چندانی نمی برد. در معدود موردی که از این روش بهره برده، تشبیهات فشرده را طوری بکار می برد که مشبه آنها با هم رابطه تضاد دارند. در چنین شرایطی بار عاطفی ابیات در کنار زمینه معنایی آن تقویت می شود:

گند وقیح و رذل وقاحت، یاک عطر گل حیاست که می ماند؟

یا کبر، یا ریاست که میماند یکرنگی و فروتنی و پاکی

(همان: ۲۳۲)

در بیت بالا سه تشبیه فشرده داریم: گند وقیح، رذل وقاحت و گل حیا. کلمه حیا با واژه وقاحت و وقیح رابطه تضاد برقرار می کند که همگی در جایگاه مشبه هستند. از زاویه دیگر کلمات وقیح و وقاحت جناس اشتقاق را رقم می زنند. همچنین رابطه تضادی که بین واژه عطر که وجه شبه است با واژه گند که مشبه به قرار گرفته

قابل توجه است. به هر حال در این بیت اخوان ثالث با هنرمندی هرچه تمام تر علیرغم فراهم کردن بار عاطفی و تصویری، با ایجاد آرایه های اشتقاق و تضاد، که همگی در ارکان تشبیه نهفته اند، زمینه را برای تقویت موسیقی داخلی و معنوی بیت فراهم کرده است.

نتیجه

به طور کل از پژوهش حاضر میتوان دریافت که اخوان ثالث با وجود این که از شاعران برجسته نوپرداز معاصر است، در شعر کلاسیک نیز هنر بالایی دارد و دقایق و ظرایف آن را به خوبی میشناسد و از تمامی ظرفیتهای لازم جهت غنای شعر خود و برانگیختن احساسات مخاطب استفاده می کند. در بیشتر اشعار او عامل انسجام دهنده کانون عاطفی، تصویری و معنایی شعرش جدا از موسیقی کلام، تنوع تصاویر تشبیه ساز است. به عبارت دیگر تشبیه در اشعار اخوان بیشتر در خدمت بیان عواطف و حالات روحی شاعر است؛ یعنی اخوان ابتدا با مضمون شاعرانه ارتباط عاطفی مستحکمی برقرار میکند و بعد شعر را بر قلم می آورد. وقتی از نفرت سرشار است و با خشم و بدبینی به موضوعی مینگرد، عناصر سازنده خیال، متناسب با آن، زشت و نفرت انگیز میشود تا بیشترین اثر را در القای حالت روحی و عاطفی وی به جا بگذارد. این ارتباط ظاهری و پیوستگی باطنی اشعار باعث میشود که شعرش از ابهام دور شود و حرکت و پویایی در آنها ایجاد گردد. میان جهشهای خیال او فاصله نیست، یعنی؛ وقتی شاعر از مطلبی به مطلب دیگر یا از تصویری به تصویر دیگر میرود، اجزای مختلف شعر در لفظ و معنا و در ظاهر و باطن با هم مرتبطند. اخوان ثالث در طرفین تشبیه تکنیکهای مختلفی را به کار میگیرد و به نوعی همه پدیده ها را از صافی نگاه شاعرانه اش عبور میدهد. استفاده از تصاویر حرفی، عناصر طبیعت، عنصر رنگ، حیوانات، پرندگان، موجودات وهمی و اساطیری، و تلمیحات قرآنی از جمله نمونه هایی است که در طرفین تشبیهاتش دیده میشوند تا ارزش موسیقایی تصاویر شعری اش را بالا ببرند. البته از این میان بیشترین بهره را از عناصر طبیعت برده است و این خود در پویایی و شور و هیجان اشعارش بسیار تأثیرگذار میباشد. البته طبیعت، حیوانات، پرندگان و موجودات وهمی اغلب در اشعارش «مشبه به» بکار میرود. استفاده از حس آمیزی در تشبیه فشرده، شگردی است که دقت نظر و قدرت بیان شاعر را نشان می دهد تا روح عاطفی در شعر دمیده شود. در تنها جایی که از شبه جمله در جایگاه مشبه استفاده کرده، به خوبی عاطفه حسرت و افسوس را از طریق موسیقی داخلی دو چندان نموده است. روی هم رفته در حوزه صور خیال، در اشعار او، تشبیه بسامد بیشتری نسبت به دیگر تصاویر شعری دارد و طرفین تشبیه عمدتاً با زمینه های معنایی و عاطفی ارتباط برقرار میکنند. در بیشتر مواقع تشبیهات عقلی به حسی غلبه دارند که این خود در وضوح و روشنی آنها نقش مهمی دارد. نکته مهم دیگر این است که اکثر تصاویر شعری اش محور خلق آرایه های دیگرند. به خصوص وجود استعاره و کنایه در دل تشبیه، با بسامد بالا، نه تنها بار عاطفی شعر را بالا میبرد، بلکه تابلویی از نقشهای زیبا را برای مخاطب ترسیم میکنند تا شور و هیجان و حرکت در شعر ایجاد شود.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، (۱۳۷۲)، تهران: طلوع.
۲. اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۸۹)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، تهران: زمستان.
۳. _____، (۱۳۹۱)، ارغنون، تهران: زمستان.
- ۴- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر در مه، تهران: نگاه.

- ۵- تجلیل، جلیل، (۱۳۹۰)، معانی و بیان، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: نیل.
- ۷- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، بدیع، تهران: پیام نور.
- ۸- _____، (۱۳۸۶)، معانی و بیان ۲، تهران: پیام نور.
- ۹- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۷)، آیین سخن، تهران: ققنوس.
- ۱۰- علوی مقدم، محمد، (۱۳۹۱)، سی مقاله در تفسیر قرآن کریم، مشهد: برزین مهر.
- ۱۱- میرصادقی، میمنت، (۱۳۸۸)، واژه نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.
- ۱۲- همایی، جلال الدین، (۱۳۸۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.

